

تأملی بر حقوق خانواده‌های بازداشت‌شدگان از منظر موازین بین‌المللی  
حقوق بشر در موضوع دادرسی عادلانه



کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران  
**Iranian Islamic Human Rights Commission**  
لجنة حقوق الانسان الاسلامية في ايران

امور آموزشی پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

## به نام خدا

واحد ارائه کننده: امور تحقیق و پژوهش کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تاریخ نشر: بهمن ۱۳۹۶

✓ امور تحقیق و پژوهش کمیسیون متشکل از ۱۰ واحد تخصصی جداگانه است که به طور مرتب از سه زاویه نظام حقوقی ایران، نظام بین المللی حقوق بشر و موازین اسلامی، تولید محتوا برای بهره مندی محافل حقوقی و کارشناسان ذیربط یا اطلاع رسانی عمومی و یا بهره برداری- های کاربردی ارتقا حقوق انسانی ارائه می دهد. در این راستا عموم صاحب نظران خصوصاً حقوق دانان می توانند در این تلاش علمی مشارکت نموده و نهاد عام المنفعه ملی پیشبرد حقوق بشر ایران را در انجام هر چه بهتر وظایف خود یاری رسانند.

✓ نقل داده های موضوعی یا دیدگاه های مطروحه کارشناسان و صاحب نظران صرفاً به عنوان معرفی ایده های علمی بوده و لزوماً به معنای تأیید دیدگاه آنان از سوی کمیسیون نیست. امور تحقیق و پژوهش کمیسیون از هرگونه دیدگاه تکمیلی بر نظرات مطروحه استقبال و به ضمیمه گزارشات بعدی منتشر می نماید.

✓ حق نشر متعلق به کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران است و هرگونه سوء استفاده قابل پیگرد قانونی می باشد. نقل مطالب با ذکر منبع بلا مانع است.

آدرس دفتر مرکزی: تهران، سید خندان، ابتدای سهروردی شمالی، کوچه آتش نشان شهید حسین سلطانی (قرقاول

سابق)، پلاک ۲

صندوق پستی: ۱۳۷- ۱۳۱۶۵ یا ۱۹۳۹۵/۴۶۹۸ تلفن: ۴- ۸۸۵۲۹۷۴۲ (۰۲۱)، دورنگار: ۸۸۷۶۸۸۰۷ (۰۲۱)

## اشاره:

هر فرد پس از اینکه به هر دلیلی متهم شده و بازداشت شود، طبیعتاً چون از محیط آزاد فاصله میگیرد با نوعی آسیب پذیری مواجه می شود که اگر نظارت های لازم قانونی نباشد ممکن است برخی از حقوق او نقض گردد. از زاویه ای دیگر، وقتی فردی بازداشت میشود ارتباط او با خانواده اش قطع می گردد و همین امر ممکن است برخی آسیبها را به خانواده اش نیز وارد سازد ضمن اینکه اگر خانواده از وضعیت فرد بازداشتی خود مطلع نباشد امکان پیگیری حقوقی و قانونی مسائل او را پیدا نمی کند و در این شرایط صدمه احتمالی دو طرفه است: هم به فرد بازداشتی و هم به خانواده او. با ملاحظه جهات یاد شده معمولاً در اسناد بین المللی حقوق بشر یا در مقررات داخلی کشورها توجه خاصی به وضعیت افراد بازداشتی و زندانی صورت میگیرد و قواعد مختلفی در مورد آنها مقرر شده است تا ضمن اجرای عدالت و جلوگیری از هر گونه صدمه احتمالی به حقوق جامعه، رعایت حقوق افراد بازداشتی و خانواده هایشان به نحو مناسبی انجام پذیرد. به عنوان مثال در نظام حقوقی ایران هم در قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ ضمن توجه به حقوق مختلف متهم و فرد بازداشتی چند مورد به حقوق خانواده او نیز توجه شده است. هم چنین در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ علاوه بر پیش بینی حقوق متنوع متهم و فرد بازداشتی یا حقوق محکومان به زندان در مرحله اجرای حکم قضائی، ضمن مواد ۴۹ و ۵۰ به طور خاص به حقوق خانواده های افراد بازداشتی بدو دستگیری و سلب آزادی افراد اشاره شده و احکام دقیقی را مقرر داشته است. در آئین نامه اجرائی سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴ و اصلاحات بعدی آن نیز قواعد مختلفی برای رعایت حقوق زندانیان از جمله ملاقات آنها با خانواده هایشان پیش بینی شده است. در سطح جهانی نیز دهها سند بین المللی و منطقه ای برای رعایت حقوق متهمان و افراد بازداشتی و خانواده هایشان تصویب شده است که الزامات متعددی را برای رفتار مراجع قضائی یا ضابطان دادگستری کشورها پیش بینی کرده اند و بر اساس همان قواعد نیز نهادهای نظارتی بین المللی عملکرد کشورها را رصد کرده و ارزیابی خود را اعلام می دارند. از جمله جدیدترین قاعده گذاری های بین المللی در مورد رعایت حقوق زندانیان از جمله نحوه ارتباط آنها با خانواده هایشان آن است که قواعد ملل متحد در مورد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان در سال ۲۰۱۵ اصلاح و روز آمد شد و با عنوان مجموعه «قواعد نلسون ماندلا» معرفی گردید که در آن نکات جدیدی راجع به تعهدات دولتها و سایر بازیگران موثر در قبال

افراد بازداشتی و زندانی و خانواده هایشان مقرر داشته است. هم چنین گزارشگران موضوعی ذریبط شورای حقوق بشر در این خصوص اسناد تخصصی متعددی را ارائه کرده اند مثلا «گروه کاری بازداشت خودسرانه» اسناد دقیقی را تدوین کرده که در صورت عدم رعایت آنها بازداشت افراد ولو توسط نظام قضائی قانونی انجام شود خودسرانه تلقی و غیر قابل قبول خواهد بود. در اسناد ذریبط رعایت حقوق فرد بازداشتی و خانواده او به دقت و با جزئیات پیش بینی شده است. هم چنین «گزارشگر پیشبرد حقیقت، عدالت ، جبران و تضمین های عدم تکرار نقض حقوق بشر» تلاش های متعددی را به عمل آورده تا ابعاد مختلف حق به حقیقت در قبال مصادیق مختلف دستگیری ها ، بازداشت ها و مفقود شدن ها را تبیین و مشخص سازد. در تلاشهای مزبور، حقوق خانواده افراد بازداشتی و زندانی ومفقود نیز مورد توجه قرار گرفته است که البته در هر مطالعه علمی دقیق در این موضوع قابل رجوع است .

گزارش حاضر که توسط خانم زهرا جعفری از همکاران باسابقه امور پژوهشی کمیسیون و دانش پژوه دکترای حقوق بین الملل اولین بار در سال ۱۳۸۸ تهیه و در کمیسیون مورد بهره برداری واقع شده اخیرا با برخی حذف و اضافات جدید از سوی ایشان ارائه گردید. موضوع اصلی این گزارش همانگونه که از عنوان آن پیداست تمرکز بر حقوق خانواده های افراد بازداشتی است. نظر به اینکه این روزها پرسشهایی در این زمینه در سطح جامعه ما مطرح است ، طبیعتا مطالعه این گزارش می تواند تا حدودی برای دستیابی به تصویری از وضعیت استانداردهای بین المللی در موضوع یاد شده و تعهدات مراجع رسمی هر کشور در این زمینه مفید واقع شود. البته توصیه میشود دوستانی که مایلند تفصیلی تر موضوع را مورد تامل قرار دهند حتما به منابعی که در بالا اشاره شد مراجعه کنند و ببینند که طی سالهای از ۲۰۱۰ تا کنون چه تحولات جدید نظری در تکمیل قواعد حقوقی قبلی به وقوع پیوسته و چگونه ابعاد مختلف رعایت حقوق انسانی بازداشت شدگان و حقوق خانواده های آنان مورد اهتمام بیشتر واقع شده است تا فرایند اجرای عدالت با رعایت ابعاد انسانی انجام پذیرد.

امید آنکه این اطلاع رسانی تخصصی در موضوع مهم یاد شده ، موجبات توجه همگان به ضرورت ارتقای هر چه بیشتر رعایت حقوق انسانی افراد بازداشتی و خانواده هایشان را فراهم آورد.

**امور آموزشی پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران / بهمن ۱۳۹۶**

۱- آیا موازین بین‌المللی مربوط به دادرسی عادلانه، علاوه بر فهرست نمودن تضمینات حقوقی متهمان، حق ملاقات با اعضای خانواده را برای ایشان به رسمیت شناخته‌اند؟ اگر آری، سرآغاز و نقطه شروع این حق کجاست؟ آیا زمانی که فرد به اتهام بزه در چنگال عدالت گرفتار آمده، از آزادی خویش محروم شده و در اماکن بازداشت تحت مراقبت قرار گرفته و در انتظار محاکمه به سر می‌برد؟ یا زمانی که حکم محکومیت قطعی علیه وی صادر و روانه اماکن حبس می‌شود؟ به عبارت دیگر، اگر حق ارتباط با دنیای خارج، به‌ویژه با اعضای خانواده، در دادرسی عادلانه جایگاهی قانونی را به خود اختصاص داده است، این حق صرفاً متعلق به محکومان بوده و یا متهمان نیز می‌توانند از ثمرات آن بهره‌مند شوند؟ به علاوه، در این فرایند تعقیب و پیگرد، چه حقوقی برای خانواده‌های بازداشت‌شدگان لحاظ شده است؟ آیا اساساً حق آگاهی خانواده از وضعیت این افراد، در دادرسی عادلانه جایگاهی دارد تا به آن موجب نقض آن، این نوع از دادرسی را از وصف عدالت خارج نماید؟ آیا بی‌خبر گذاردن خانواده از وضعیت هر یک از اعضای خود، مغایر با موازین انسانی است و بالمآل ذیل نقض حقوق بشر جای می‌گیرد؟ آیا درد و رنج روانی که خانواده‌ها در اثر بی‌اطلاعی و بی‌خبری از وضعیت یکی از اعضای خود، متحمل می‌شوند یارای آن را دارد تا حسب مورد شدت این درد و رنج، ذیل عنوان رفتار انسانی، موهن و یا حتی شکنجه جای گیرد و لذا طرح مسئولیت بین‌المللی دولت را از حیث نقض حقوق بنیادین بشر؛ یعنی حق رهایی از رفتارهای موهن دامن زند؟ آیا اصولاً موازین دادرسی عادلانه دولت‌ها را ملزم می‌دارد تا تضمینات قضایی را پیش‌بینی و به آن موجب، در هر زمان، شکایات واصله از خانواده بازداشت‌شدگان را دریافت و در فرایندی توأم با عدالت، تحت پیگرد قانونی قرار دهند و به این موجب، حق دادخواهی را به شکل کامل، به منصف ظهور عینی نائل گردانند؟ آیا حق دادخواهی و اطلاع مستند و مستدل خانواده بازداشت‌شده، حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت از اتهام انتسابی به وی و نیز حق اطلاع مستند و مستدل خانواده بازداشت‌شده از محل بازداشت وی، مورد عنایت موازین حقوق بشر واقع شده است؟ لزوم حل مسائل فوق ما را بر آن داشت تا اسناد بین‌المللی و بالخصوص اسناد حقوق بشری راجع به اجرای عدالت در نظام قضایی را به مذاقه بنشینیم؛ ماحصل این مذاقه در قالب چندین بند به شرح ذیل انعکاس یافته است. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که گزارش حاضر، صرفاً فتح‌بابی بر مطالعات عمیق‌تر، فنی‌تر و راهبردی‌تر و مزین به تحلیل‌های حقوقی راجع به این حوزه خواهد بود.

۲- جهت سنجیدن میزان تحقق استانداردهای حقوق بشری در کشورهای مختلف تمامی نگاه‌ها معطوف به نظام قضایی و امنیتی آن کشور می‌شود. اساساً میزان پایبندی دولت‌ها به موازین دادرسی عادلانه، وزن مهمی در ارزیابی وضعیت حقوق بشری هر کشور ایفا می‌کند؛ بنابراین، ماهیت و نحوه برخورد با متهمان و محکومان در مرحله کشف جرم، تعقیب جرم، تحقیقات مقدماتی، رسیدگی، صدور حکم و اجرای آن و نیز کمیّت و کیفیت ساختارها و تدابیر قانونمند نظارتی بر نهادهای وابسته به دستگاه قضایی و امنیتی، شکست‌ناپذیرترین راه سنجش مدنیت هر دولت به شمار می‌آید. مضافاً اینکه نمی‌توان از نظر دور داشت دولت‌ها چه از جنبه ماهوی و چه از حیث ابعاد ساختاری و فرایندی، در تعیین، تعریف و وضع قواعد کیفری، در موقعیت غالب مشروعیت-بخشی به جرایم ارتكابی خود، در مدیریت انحصاری بر نهادهای وابسته به عدالت کیفری؛ چون پلیس، دادگستری، اماکن بازداشت و بازجویی دارای حاکمیت هستند و این مهم، فی‌نفسه اهمیت توجه به دادرسی عادلانه را جایگاهی مضاعف می‌بخشد.<sup>۱</sup>

۳- با ابتنا بر مفاد فوق، نظام بین‌المللی حقوق بشر از بدو نشو و نما عنایت ویژه‌ای را معطوف به دادرسی متصف به وصف عادلانه نموده است. دادرسی که در پرتو آن، رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی توسط دادگاهی قانونی، صلاحیت‌دار، مستقل، بی‌طرف و بر اساس آیین‌های قانونی از پیش تعیین شده و با تضمین حقوق قانونی طرفین دعوا صورت می‌پذیرد.<sup>۲</sup> بنا بر تعریف، از جمله عناصر ضروری این حقوق، بالاحص نسبت به متهمان، بدون قید احصاء، می‌توان به موارد ذیل اشعار داشت:

- حق رهایی از بازداشت خودسرانه؛
- حق امنیت شخصی؛
- حق تفهیم اتهام در اسرع وقت؛
- لزوم دادرسی بدون تأخیر موجه؛
- حق برخورداری از اصل برائت؛
- حق داشتن وکیل منتخب؛
- حق سکوت؛

۱ - عباس موسوی، «شکنجه در سیاست جنایی ایران، سازمان ملل متحد و شورای اروپا»، (تهران، خط سوم، ۱۳۸۲)، ص ۳.

۲ - مصطفی فضالی، «دادرسی عادلانه، محاکمات کیفری بین‌المللی»، (تهران، شهر دانش، ۱۳۸۷)، ص ۶۵.

- حق رهایی از شکنجه؛
- حق اعتراض نسبت به غیرقانونی بودن دستگیری؛
- حق جبران خسارات ناشی از بازداشت غیرقانونی؛
- حق ارتباط با زندانیان با دنیای خارج.

۴- گرچه عناصر فوق، بالاخص، ارتباط محرومان از آزادی با دنیای خارج و به‌ویژه ارتباط با اعضای خانواده، در تعدادی از اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر مورد عنایت جدی واقع شده است، مع‌الوصف حفظ و صیانت از روابط خانوادگی بین محرومان از آزادی و اعضای خانواده و حتی دوستان نزدیک، لزوم تفهیم اتهام در اسرع وقت و حداکثر ظرف ۲۴ ساعت و نیز شکایت از وضعیت بازداشت و نحوه برخورد مأموران ذی‌صلاح و دیگر تضمینات مرتبط، اصولاً از منظر حقوق متهم و نه حقوق خانواده بازداشت‌شدگان مطمح توجه قرار گرفته‌اند؛ با این حال، نمی‌توان از نظر دور داشت که تمامی تضمینات حقوقی فوق، دارای ماهیت دوگانه هستند و لذا خانواده متهمان را نیز از ثمرات قانونی خود بهره‌مند خواهند ساخت؛ در واقع حق متهم به تفهیم اتهام در اسرع وقت، خانواده ایشان را نیز از چرایی دستگیری مشارالیه مطلع می‌سازد یا حق متهم به ارتباط با دنیای خارج، خانواده وی را نیز از اضطراب و رنج روانی ناشی از بلاتکلیفی و سردرگمی و عدم اطلاع از وضعیت متهم خواهد رهانید. از این حیث، حق خانواده متهم بر حقیقت؛ یعنی حق اعضای خانواده به آگاهی و اطلاع یافتن از وضعیت اعضای مفقود و بازداشت‌شده خود، حق اعضای خانواده به آگاهی از علل مستند و مستدل دستگیری اعضای خود، محل بازداشت، مدت بازداشت و موعد رسیدگی به اتهام وی، و نیز حق مطلق اعضای خانواده بازداشت‌شده به رهایی از رفتارهای غیرانسانی، حق ایشان به تظلم‌خواهی از مرجع ذی‌صلاح مستقل و بی‌طرف و غیره، از اجزای حق بر حقیقت به شمار می‌آید. در ادامه به مصادیقی از مهم‌ترین حقوق خانواده‌های بازداشت‌شدگان، اشاره خواهد شد.

۵- همان‌طور که در فوق معروض افتاد، از جمله حقوقی که خصوصاً از منظر بازداشت‌شدگان، مورد توجه موازین بین‌المللی واقع شده است حق ارتباط ایشان با دنیای خارج می‌باشد. از این نظرگاه توجه به نکات زیر حائز اهمیت است:

- حق ارتباط افراد محروم از آزادی در اماکن حبس و بازداشت با دنیای خارج، در اشکال مختلف ملاقات، مکاتبه، تماس تلفنی، برقراری ارتباط از طریق پست الکترونیک و غیره نمود می‌یابد؛<sup>۳</sup>
- مدیریت کارآمد و موافق با اقتضای دادرسی عادلانه در اماکن حبس و بازداشت، مدیریتی است که شأن انسانی و حق تماس محرومان از آزادی با خانواده و دوستان را ملحوظ توجه قرار دهد و با ملاقات‌کنندگان رفتاری انسانی داشته باشد؛<sup>۴</sup>
- حق ارتباط با خانواده نه تنها حق فرد زندانی و بازداشت‌شده، بلکه حق خانواده وی می‌باشد و لذا به هیچ‌وجه نمی‌توان از حذف و یا محدود نمودن این حق به مثابه تنبیهی علیه بازداشت‌شده استفاده نمود و تضمین این مهم بر عهده مدیریت زندان است و تحقق آن باید بخشی از نظام رفتار انسانی با زندانی را شکل دهد<sup>۵</sup>
- حق ملاقات افراد زندانی و بازداشت‌شده با خانواده و بالعکس، لوازم و مصادیقی دارد که از اهم آنها می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

- شناسایی قانونی حق ملاقات برای بازداشت‌شده و خانواده وی؛
- آگاهی خانواده بازداشت‌شده از محل بازداشت وی؛
- لزوم نزدیکی محل بازداشت با محل مسکونی بازداشت‌شده؛<sup>۶</sup>
- پیش‌بینی نهادها و سازکارهای مستقل و بی‌طرف تظلم‌خواهی و نظارت بر حسن اجرای این حق و جبران خسارات زیان‌دیده.

- حق ملاقات افراد زندانی و بازداشت‌شده با خانواده و بالعکس، عموماً در سه شکل زیر عینیت می‌یابد:
  - ملاقات خانوادگی: در این شکل از ملاقات که بیشتر در کشورهای اروپای شرقی و آسیای مرکزی به چشم می‌خورد، تعدادی آپارتمان کوچک در مجتمع‌های قضایی و زندان تعبیه می‌شود و فرد زندانی قادر خواهد بود تا به مدت ۷۲ ساعت به همراه خانواده خود آنجا اقامت گزیند؛<sup>۷</sup>

۳ - آندروکویل، « رویکرد حقوق بشری به مدیریت زندان »، ترجمه: حسن طغرانگار، ( تهران، وفاق، ۱۳۸۴)، ص ۹۸.

۴ - آندور کویل، « مدیریت زندان‌ها در دوران گذار »، ترجمه حسن طغرانگار، ( تهران، وفاق، ۱۳۸۴)، صص ۱۲۲ - ۱۲۱.

۵ - آندروکویل، « رویکرد حقوق بشری به مدیریت زندان »، همان، ص ۹۳.

۶ - شایان ذکر است لزوم نزدیکی محل بازداشت با محل سکونت فرد ریشه در این واقعیت دارد که بازداشت شده انطباق فرهنگی بیشتری با این محیط دارد و مهم‌تر از آن اعضای خانواده امکان دسترسی آسان‌تری به وی می‌یابند. مضافاً اینکه اکثر خانواده‌های زندانیان، توانایی مالی مساعدی ندارند و هزینه‌های بالای ایاب و ذهاب ایشان را ممنوع از ملاقات می‌دارد. همان منبع، ص ۹۳.

۷ - همان منبع، ص ۹۶.



- ملاقات زناشویی: در برخی کشورها؛ نظیر سوئد و دانمارک، محرومان از آزادی، حق ملاقات محرمانه حداقل سه ساعت با همسر را دارا می‌باشند و در برخی دیگر از کشورهای آمریکای لاتین، اعطای این قسم از ملاقات در پایان هفته امری مرسوم است؛<sup>۸</sup>

- ملاقات عمومی: ملاقات خصوصی برای همه زندانیان، همه وقت ممکن نیست؛ لذا اتاق‌های بزرگ ویژه‌ای پیش‌بینی می‌شود که در آن ملاقات، به صورت عمومی و با شرایط ذیل صورت می‌گیرد:

✓ ملاقات مستقیم و بدون مانع فیزیکی؛

✓ ممنوعیت جلوگیری از تماس بدنی زندانی و ملاقات شونده؛ مگر به دلایل موجه؛ به‌ویژه در مواقعی که ملاقات‌کننده کودک بوده و برای ملاقات پدر یا مادرش آمده است.

۶- نظام بین‌المللی حقوق بشر، با لحاظ مفاد فوق، در اسناد متعدد و به‌ویژه در قواعد راهنمای خود در موضوع دادرسی عادلانه، با قائل شدن به رویکرد موسع، نه تنها لزوم ملاقات افراد محروم از آزادی با خانواده را از نظر دور نداشته و آن را از لوازم دادرسی عادلانه به شمار آورده است، بلکه هم‌چنین دامنه شمول این حق را به محرومان از آزادی در اماکن بازداشت تسری داده و آن را محدود به محکومان به حبس ننموده است؛ از این نظرگاه، ذیلاً و حسب اختصار، به مهم‌ترین ابعاد این حق اشاره خواهد شد:

- حق افراد محکوم به حبس و بازداشت به ملاقات و مکاتبه با اعضای خانواده‌اش؛<sup>۹</sup>
- حق افراد محکوم به بازداشت به اطلاع‌رسانی بازداشت و محل بازداشتگاه خود به اعضای خانواده‌اش؛<sup>۱۰</sup>
- نگهداری (در صورت امکان) افراد محکوم به بازداشت در نزدیکی محل معمول اقامتش؛<sup>۱۱</sup>
- اطلاع بدون تأخیر تغییر مکان افراد محکوم به بازداشت به اعضای خانواده وی؛<sup>۱۲</sup>
- حق افراد محکوم به بازداشت به برخورداری از وکیل منتخب،<sup>۱۳</sup> حسب مورد، وکیل معاضدتی<sup>۱۴</sup> و مشاوره و ملاقات بدون تأخیر و محرمانه با وی؛<sup>۱۵</sup>

---

۸ - همان منبع، ص ۹۶.

۹ - اصل ۱۹ از مجموعه اصول حمایت از تمامی اشخاص تحت هر شکل از بازداشت یا حبس، مصوب قطع‌نامه شماره ۴۳/۱۷۳، نهم دسامبر ۱۹۸۸ مجمع عمومی ملل متحد و قسمت د بند ۲ ماده ۱۷ کنوانسیون بین‌المللی حمایت از تمامی اشخاص در برابر ناپدیدشدن اجباری، مصوب ۲۰ دسامبر ۲۰۰۶.

<sup>۱۰</sup> - بند ۱ ماده ۱۶ مجموعه اصول حمایت از تمامی اشخاص تحت هر شکل از حبس و بازداشت، همان منبع.

۱۱ - اصل ۲۰ از اصول حمایت از تمامی اشخاص تحت هر شکل از بازداشت یا حبس، همان منبع.

۱۲ - بند ۱ و ۴ اصل ۱۶، همان منبع.

۱۳ - بند ۱ اصل ۱۷، همان منبع.

۱۴ - بند ۲ اصل ۱۷، همان منبع.

- حق شکایت افراد محکوم به بازداشت از تنبیه غیرانسانی نسبت به وی (در صورت ناتوانی افراد محکوم به بازداشت اعضای خانواده وی باید از این حق برخوردار باشند)<sup>۱۶</sup>؛
- حق اعضای خانواده افراد محکوم به حبس و بازداشت از چرایی مرگ ایشان در اماکن حبس و بازداشت<sup>۱۷</sup>؛
- تضمین دسترسی آسان بستگان کودکان محروم از آزادی با ایشان به منظور صیانت از روابط بین کودک و خانواده و نیز تسهیل بازپروری وی<sup>۱۸</sup>؛
- حق ارتباط افراد محکوم به حبس و بازداشت در فواصل منظم، خواه از طریق مکاتبه یا ملاقات حضوری با خانواده<sup>۱۹</sup>؛
- لزوم عنایت ویژه به حفظ و بهبود روابط افراد محکوم به حبس با اعضای خانواده، با رعایت مصلحت طرفین<sup>۲۰</sup>؛
- ممنوعیت استفاده از محدودیت ملاقات بین افراد محکوم به بازداشت و اعضای خانواده وی به مثابه ابزار فشاری بر او برای کسب اقرار<sup>۲۱</sup>؛
- حق ارتباط افراد محکوم به بازداشت با اعضای خانواده و دوستان؛ به عنوان جزء لاینفک رفتار عادلانه<sup>۲۲</sup>؛
- حق نوجوانان محروم از آزادی به ملاقات با اعضای خانواده؛ حداقل یکبار در ماه، تحت شرایط محترمانه و با رعایت حریم خصوصی<sup>۲۳</sup>.

۷- علاوه بر مراتب فوق، از جمله دیگر مهم‌ترین حقوقی که از منظر خانواده بازداشت‌شده باید مورد توجه جدی واقع شود، **حق بر حقیقت**<sup>۲۴</sup> می‌باشد. این حق در معرض نشو و نما، در سطوح ملی و بین‌المللی، از یک‌سو در بردارنده تعهد دولت به فراهم آوردن اطلاعات مورد نیاز قربانیان یا خانواده ایشان و از دیگر سو، متضمن تعهد دولت به فراهم

۱۵ - بند ۱ و ۳ اصل ۱۸، همان منبع.

۱۶ - بند ۱ اصل ۳۳، همان منبع و بند ۲ ماده ۳۳ مجموعه اصول حمایت از تمامی اشخاص تحت هر شکل از حبس و بازداشت، همان منبع.

۱۷ - اصل ۳۴، همان منبع.

۱۸ - قاعده ۲۰ از قواعد راهنمای اقدام برای کودکان در نظام عدالت کیفری، مصوب قطع‌نامه شماره ۱۹۹۷/۳۰، بیست و یکم جولای ۱۹۹۷ شورای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل متحد.

۱۹ - قاعده ۳۷ از قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانی، مصوب قطع‌نامه شماره ۶۶۳ اولین کنگره ملل متحد برای پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین.

۲۰ - قاعده ۷۹، همان منبع.

۲۱ - قاعده ۹۷، همان منبع.

۲۲ - قاعده ۵۹ از قواعد سازمان ملل برای حمایت از نوجوانانی که آزادی آنها سلب شده است، مصوب قطع‌نامه ۴۵/۱۱۳ مورخ چهاردهم دسامبر ۱۹۹۰ مجمع عمومی ملل متحد.

۲۳ - قاعده ۶۰، همان منبع.

24 **Right to truth.**

آوردن اطلاعات مربوط به تخلفات فاحش حقوق بشری برای جامعه، درکل، می‌باشد؛ لذا به زعم اپیکتوس، حق بر حقیقت هم‌چون حق حیات و آزادی در زمره حقوق انسانی به شمار می‌آید. از این حیث:

- تعمق در سیر تاریخی این حق ما را به حقوق بین‌الملل بشردوستانه رهنمون می‌شود که وفق آن، خانواده قربانیان، حق دارند از سرنوشت بستگان خود مطلع شوند؛
- این حق در مواد ۳۲ و ۳۳ پروتکل اول الحاقی، مصوب ۱۹۷۷ میلادی منضم به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، مصوب ۱۹۴۹ میلادی در موضوع حقوق بشردوستانه انعکاس یافته است؛<sup>۲۵</sup>
- در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، مشخصاً حقی به نام حق بر حقیقت وجود ندارد. از این حیث، به ویژه کمیته حقوق بشر ناظر بر اجرای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۹۶۶ میلادی و نیز کارگروه ملل متحد برای ناپدیدشدگی اجباری، تلاش دارند تا به تعیین ماهیت و چیستی این حق همت گمارند. به زعم نهادهای مذکور، این حق، تحقق دیگر حقوق؛ از جمله حق تظلم‌خواهی و حق جبران خسارات و نیز حق رهایی از شکنجه را ممکن می‌سازد؛ از این حیث، بند ۲ ماده ۲۴ کنوانسیون بین‌المللی حمایت از تمامی اشخاص در برابر ناپدیدشدگی اجباری، مصوب سال ۲۰۰۶ میلادی، نزدیک‌ترین ماده به حق بر حقیقت محسوب می‌شود. وفق این ماده قربانی حق دارد تا اطلاعات راجع به شرایط ناپدیدشدگی اجباری، نتایج رسیدگی و پیشرفت‌های حاصله در رسیدگی به سرنوشت ناپدیدشده به آگاهی وی برسد؛
- هم‌چنین از سال ۱۹۷۴ میلادی تعدادی از قطع‌نامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به موضوع حق خانواده اشخاص مفقودالاثر یا ناپدیدشده اجباری اختصاص یافته است و حق نیاز به مطلع شدن را در زمره نیازهای مبنایی بشر گنجانده‌اند؛ در عین حال سازکارهای حقوق بشری؛ چون کارگروه ملل متحد برای ناپدیدشدگی اجباری این قطع‌نامه‌ها را به مثابه اصول راهنما مورد تمسک قرار داده‌اند؛
- به زعم کمیته حقوق بشر ناظر بر اجرای میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۹۶۶ میلادی، حق بر دانستن از جمله طرقی به شمار می‌آید که از شکنجه روانی خانواده قربانیان ناپدیدشدگی اجباری جلوگیری می‌کند و به نوعی از ایشان جبران خسارت به عمل می‌آورد؛
- شورای امنیت ملل متحد مکرراً در قطع‌نامه‌های خود بر حق بر حقیقت تأکید دارد؛ در واقع به زعم این نهاد، حقیقت‌یابی به تحکیم صلح و اقدام علیه بی‌کیفری کمک می‌کند؛

---

۲۵ - یاسمین نقوی، «حق بر حقیقت در حقوق بین‌الملل: واقعیت یا افسانه»، ترجمه: زهرا جعفری، نیکان شمس زاد، مجله صلیب سرخ جهانی، ج ۸۸، ش ۸۶۲، ژوئن ۲۰۰۶، با محوریت موضوعی کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، دفتر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران، سال نشر، صص ۷-۱۰.

• دبیرکل سازمان ملل متحد نیز در بیانیه‌های خود این حق در معرض نشو و نما را مورد شناسایی قرار داده است.<sup>۲۶</sup>

• علاوه بر نهادهای بین‌المللی، نهادهای منطقه‌ای حقوق بشر نیز این حق را مورد عنایت جدی قرار داده‌اند. به زعم دیوان اروپایی حقوق بشر، حق بر حقیقت بخشی از حق رهایی از شکنجه، حق دریافت جبران خسارات مقتضی، حق تحقیق و رسیدگی مؤثر می‌باشد و قصور و کوتاهی دولت در انجام تحقیقات مؤثر جهت روشن نمودن سرنوشت اشخاصی که در شرایط فوق‌العاده ناپدید شده‌اند، متضمن نقض مستمر تعهدات دادرسی و از جمله حمایت از حق حیات است. در همین خصوص، کمیسیون دادرسی عادلانه و معاضدت حقوقی آفریقا، حق بر حقیقت را جزئی از حق دریافت جبران خسارت مؤثر می‌داند و کمیسیون آمریکایی حقوق بشر نیز تحقق این حق را نوعی جبران خسارات مستقیم قلمداد می‌کند. از منظر نهاد مذکور، این حق ارتباط وثیقی با حق رهایی از شکنجه دارد. دیوان آمریکایی حقوق بشر، حق بستگان ناپدیدشدگان اجباری بر مطلع شدن از سرنوشت قربانیان را به رسمیت شناخته و در عین حال حق قربانیان بر شفاف‌سازی تخلفات ارتكابی و مسؤلیت‌های ناشی از آن را مورد شناسایی قرار داده است. از دیدگاه دیوان، نهادهای ذی-صلاح دولتی باید از طریق رسیدگی و پیگرد کیفری در راستای تحقق حق دادخواهی توسط دادگاه بی‌طرف، مستقل و صالح و نیز تحقق جبران خسارات مقتضی و برخورداری از حمایت قضایی مقرر در کنوانسیون آمریکایی گام بردارند. دیوان بالصراحه تأکید دارد بر اینکه حق بر حقیقت صرفاً محدود به آگاهی از وضعیت ناپدیدشدگان اجباری نیست، بلکه آگاهی از هر نوع نقض حقوق بشر را شامل می‌شود.<sup>۲۷</sup>

• لذا اگرچه این حق مشخصاً از منظر حقوق خانواده اشخاص محکوم به حبس و بازداشت در اماکن نامعلوم و یا اشخاص ناپدیدشده در اسناد بین‌المللی، ذیل عنوان حقی بشری مستقلی انعکاس نیافته است، لیکن تکرار آن در رویه، بیانیه و قطع‌نامه‌های نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر، ناشی از نوعی اعتقاد به الزام-آوری این حق بوده و این مهم، به نوبه خود، حق مذکور را تا سطح قاعده عرفی سوق داده است. علاوه بر آن، این حق به مثابه اصلی حقوقی؛ نظیر اصل حسن نیت، اصل ممنوعیت انکار پس از اقرار، منبعث از منابع حقوق داخلی است و هدف آن صیانت از کرامت ذاتی افراد انسانی است و در احقاق حق قربانیان سهمی به سزا ایفا می‌کند. در واقع این حق واجد دو بعد فردی و جمعی است؛ در بعد فردی این حق متضمن جبران

۲۶ - یاسمین نقوی، همان منبع، صص ۲۵-۱۶ و ۷.

۲۷ - همان منبع، صص ۲۲ - ۲۰.

خسارات فردی از پرونده‌های موردی (از جمله خانواده قربانیان) است و در بعد جمعی و از جمله در حوزه

تخلفات فاحش از حقوق بشر، این حق شامل شرح موسع دلایل ارتكابی برای جامعه در کل، می‌باشد.<sup>۲۸</sup>

- بنابراین، حق بر حقیقت، در بعد فردی، خانواده بازداشت‌شده را مستحق می‌دارد تا در اسرع وقت، از دلایل مستند بازداشت بستگان خویش، محل حبس ایشان، جریان تحقیقات مقدماتی، موعد محاکمه، نوع مجازات و غیره، آگاه شود و در راستای حسن جریان امور، اطلاعات و مدارک خویش را تقدیم بدارند و حسب مورد با وکیل منتخب یا در صورت ناتوانی مالی، با وکیل معاضدتی رایگان مشورت نمایند. گرچه این حق ماهیت معاهده‌ای ندارد و به این وصف، فاقد ضمانت‌اجرای منضبط قانونی است، لیکن نقض آن نقض ممنوعیت شکنجه روانی ناشی از بی‌خبری را دامن می‌زند و علاوه بر آن، امکان دادخواهی مؤثر و دریافت جبران خسارات را که از بدیهی‌ترین مؤلفه‌های دادرسی عادلانه به شمار می‌آید، متعذر می‌دارد و به این جهت، موجب طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را با استناد به نقض حقوق بنیادین بشر؛ نظیر حق رهایی از شکنجه و حق برخورداری از دادرسی عادلانه فراهم خواهد آورد؛ به‌ویژه اینکه نمی‌توان از نظر دور داشت امروز قاعده ممنوعیت شکنجه به سطح قاعده آمره بین‌المللی صعود کرده است و لذا تمامی دولت‌ها منصرف از اینکه به عضویت معاهده الزام‌آور متضمن ممنوعیت شکنجه در آمده باشند یا خیر، ملزم به رعایت آن در حوزه‌های تحت صلاحیت خویش خواهند بود؛<sup>۲۹</sup>

۲۸ - همان منبع، صص ۳۸ - ۳۷ - ۲۶ - ۲۵.

۲۹ با استناد به رویه قضایی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، حق شکنجه نشدن در زمره قواعد آمره بین‌المللی محسوب می‌گردد، قاعده‌ای که از جانب جامعه بین‌المللی کشورها، در کل به عنوان قاعده‌ای غیر قابل لغو شناخته شده است (رای Furundzija صادره از دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق (۱۰ دسامبر ۱۹۹۸) برگرفته از: دویو پی بر مری، «قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل کیفری و قواعد آمره»، ترجمه سید علی هنجنی، مجله حقوقی مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوق و امور مجلس ریاست جمهوری، ش ۳۳، ۱۳۸۴، صص ۲۴۴ - ۲۴۳).

در عین حال این ممنوعیت به مثابه تعهدی عام‌الشمول مطمح توجه است (همان رأی، همان منبع، ص ۲۴۳). تعهدی که تمامی دولت‌ها در حمایت از آن دارای نفع حقوقی بوده و می‌توانند خواهان اجرای آن از جانب دیگر دولت‌ها گردند.

هم‌چنین از قاعده مذکور تحت عنوان قاعده عرفی بین‌المللی یاد می‌شود (Prosecutor V. Zejnjl Delalic and Others, case no 96-4-T, (ICTY, Trial Chamber II, 1998, Para 459).

بنابراین اعم از اینکه دولتی عضو کنوانسیون مرتب به ممنوعیت شکنجه (به ویژه کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه، مصوب سال ۱۹۸۴ میلادی) باشد، الزامات ناشی از ممنوعیت مذکور بر وی بار خواهد شد و این دولت نمی‌تواند با استناد به عدم عضویت در کنوانسیون، خود را از اتهام شکنجه، مبری نگاه دارد؛ خصوصاً اینکه نهادهای بین‌المللی چون مجمع عمومی سازمان ملل متحد، خواستار تعهد تمامی دولت‌ها به اتخاذ تدابیر مؤثر قانونی، قضایی و اجرایی جهت پیشگیری از هر نوع شکنجه، جرم دانستن شروع، مباشرت، مشارکت، معاونت در آن و مجازات مرتکبان چنین اقدامات مجرمانه-ای می‌باشند («گزارش طرح الحاق ایران به کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر کننده»، دوره ۶، س ۳، معاونت پژوهشی دفتر بررسی حقوقی مطالعات سیاسی مجلس شورای اسلامی، اردیبهشت ۱۳۸۲، ص ۲).

- لذا نقض این حق علاوه بر نقض ممنوعیت شکنجه مندرج در ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۹۶۶ میلادی، حق دادخواهی مقرر در ماده ۱۴ میثاق و حق برخورداری از زندگی خانوادگی مطروح در ماده ۲۳ این سند را نیز نقض خواهد نمود؛ زیرا وقتی اطلاعات مورد نیاز تحت تصاحب و کنترل دولت است و دولت به طور خودسرانه و بدون ذی‌حق دانستن افراد از انتقال آن به اعضای خانواده امتناع می‌کند، در واقع حق داشتن زندگی خانوادگی را مخدوش کرده است؛
- بنا بر جمیع ابعاد مذکور در فوق، حق بر حقیقت؛ یعنی مطلع نمودن خانواده افراد محروم از آزادی و مطلع نمودن جامعه، در کلیت خود، به تسریع فرایند جبران خسارات وارده منتهی می‌شود و در ریشه‌کنی بی-کیفری و تقویت و برقراری مجدد دموکراسی و حکومت قانون و اعتماد عمومی به مقامات ذی‌صلاح حکومتی نقش‌آفرینی می‌کند<sup>۳۰</sup> و تحقق حقوقی؛ چون ممنوعیت شکنجه و حق دادخواهی از دادگاه مستقل، بی‌طرف و صالح، حق دریافت جبران خسارات و حق زندگی خانوادگی را ممکن می‌سازد.

۸- با ابتنا بر مفاد فوق می‌توان قائل به این نتیجه شد که حقوق خانواده‌های اشخاص محروم از آزادی در اماکن حبس و بازداشت، جایگاه و چارچوب منضبطی را در گستره حقوق بین‌الملل بشر به خود اختصاص نداده است؛ مع‌الوصف، نظام بین‌المللی حقوق بشر این مهم را در پرتو سایر حقوق؛ به‌ویژه حق دادرسی عادلانه، حق رهایی از شکنجه، حق داشتن زندگی خانوادگی و حق بر حقیقت، مورد توجه جدی قرار داده و به این جهت، تعهداتی را متوجه دولت‌ها نموده است. به دیگر سخن، گرچه حقوق خانواده بازداشت‌شدگان بالصراحه در منطوق و نصّ اسناد بین‌المللی، انعکاس نیافته، لیکن و بالاخص نقض حق‌هایی؛ نظیر حق ارتباط منظم و ادواری بازداشت شده با خانواده، حق آگاهی خانواده از علل دستگیری و محل بازداشت اعضای خود، حق در اختیار داشتن سازکارهای قضایی صالح، مستقل و بی‌طرف، حق رهایی از رفتارهای غیرانسانی، حق داشتن زندگی خانوادگی، علاوه بر نقض حق دادرسی عادلانه، منجر به نقض حق بنیادین شکنجه (خصوصاً از حیث آزار روانی ناشی از سرگردانی و بی‌خبری از وضعیت بازداشت‌شده)، نقض حق انسجام روابط خانوادگی و نقض حق بر دانستن حقیقت می‌شود و مآلاً مسئولیت بین‌المللی دولت را در پی خواهد داشت؛ لذا دولت‌ها ملزم هستند اولاً این حقوق را در قوانین خویش به شکلی اکمل نمود عینی بخشند و ثانیاً با پیش‌بینی سازکارهای قضایی، اجرایی و نظارتی مؤثر،

۳۰ - یاسمین نقوی، همان منبع، صص ۲۲-۲۶.

مستقل و بی طرف، حسن اجرای این قوانین را تضمین نمایند و از این حیث، تعهد خویش به صیانت از کرامت انسانی بشر را جامه عمل پوشانند.

## منابع و مأخذ:

### الف - کتاب

۱. کویل، آندرو. « رویکرد حقوق بشری به مدیریت زندان »، ترجمه: حسن طغرانگار، (تهران، وفاق، ۱۳۸۴).
۲. کویل، آندرو. « مدیریت زندان‌ها در دوران گذار »، ترجمه حسن طغرانگار، (تهران، وفاق، ۱۳۸۴).
۳. فضائی، موسوی. « دادرسی عادلانه، محاکمات کیفری بین المللی »، (تهران، شهر دانش، ۱۳۸۷).
۴. موسوی، عباس. « شکنجه در سیاست جنایی ایران، سازمان ملل متحد و شورای اروپا »، (تهران، خط سوم، ۱۳۸۲).

### ب - مقاله

۵. نقوی، یاسمین. « حق بر حقیقت در حقوق بین الملل: واقعیت یا افسانه »، ترجمه: زهرا جعفری، نیکان شمس زاده، مجله صلیب سرخ جهانی، ج ۸۸، ش ۸۶۲، ژوئن ۲۰۰۶، با محوریت موضوعی کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، دفتر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران، سال نشر.
۶. مری، دوپو پی. « قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل کیفری و قواعد آمره »، ترجمه سید علی هنجنی، مجله حقوقی مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوق و امور مجلس ریاست جمهوری، ش ۳۳، ۱۳۸۴.

### پ - اسناد

۷. کنوانسیون بین‌المللی حمایت از تمامی اشخاص در برابر ناپدیدشدن اجباری، مصوب ۲۰ دسامبر ۲۰۰۶.
۸. گزارش طرح الحاق ایران به کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر کننده»، دوره ۶، س ۳، معاونت پژوهشی دفتر بررسی حقوقی مطالعات سیاسی مجلس شورای اسلامی، اردیبهشت ۱۳۸۲، ص ۲.
۹. قواعد راهنمای اقدام برای کودکان در نظام عدالت کیفری، مصوب قطع‌نامه شماره ۱۹۹۷/۳۰، بیست و یکم جولای ۱۹۹۷ شورای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل متحد.
۱۰. قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانی، مصوب قطع‌نامه شماره ۶۶۳ اولین کنگره ملل متحد برای پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین.
۱۱. قواعد سازمان ملل برای حمایت از نوجوانانی که آزادی آنها سلب شده است، مصوب قطع‌نامه ۴۵/۱۱۳ مورخ چهاردهم دسامبر ۱۹۹۰ مجمع عمومی ملل متحد.
۱۲. مجموعه اصول حمایت از تمامی اشخاص تحت هر شکل از بازداشت یا حبس، مصوب قطع‌نامه شماره ۴۳/۱۷۳، نهم دسامبر ۱۹۸۸ مجمع عمومی ملل متحد و قسمت د بند ۲ ماده ۱۷

**13. Prosecutor V.Zejnil Delalic and Others, case no 96-4-T, ICTY, Trial Chamber II, 1998, Para 459**